

حادثه در شهر

سارقان اسکلت خودرو را بر جا گذاشتند

سارق یا سارقان بعد از سرقت یک خودرو و تخلیه محتویات داخل آن اسکلت آن را در حاشیه شهر رها کردند و پا به فرار گذاشتند. صاحب یک خودرو زمانی که سراغ خودروی پارک شده اش در داخل کوچه رفت نمی دانست که سارق یا سارقان بعد از سرقت خودرو آن را بدون چرخ در حاشیه شهر رها کرده و هزینه سنگینی روی دستش گذاشته اند. مال باخته گفت: وقتی صبح سراغ خودرویم که در کوچه پارک شده بود رفتم در کمال حیرت دیدم خبری از آن نیست. بعد از این اتفاق سراسیمه در کوچه های نزدیک خانه مان، خودرویم را جست و جو کردم. وقتی اثری از آن نیافتم پلیس را در جریان گذاشتم. هنوز چند ساعت از ناپدید شدن خودرویم نگذشته بود که از طریق پلیس باخبر شدم در گوشه ای از حاشیه شهر به حال خود رها شده است. وقتی به محل پارک خودرو رسیدم دیدم جز اسکلت از خودرویم چیزی باقی نمانده است.

تلفات

رد مال و جبران خسارت مال باخته

برابر قانون در تمام موارد سرقت و ربودن اموال، دادگاه علاوه بر تعیین مجازات، سارق یا رباینده را به رد (بازگرداندن) عین مال سرقت شده محکوم می کند و اگر عین آن وجود نداشته باشد سارق به رد مثل یا قیمت مال سرقت یا ربوده شده و جبران خسارت وارد شده محکوم خواهد شد. برای مثال اگر سارقی فرش نفیس ۱۲ متری آقای «الف» را برده باشد چنان چه عین مال موجود باشد حتی اگر در دست شخص دیگری باشد، مال ربوده شده به آقای «الف» برگردانده می شود. چنان چه فرش مزبور از بین رفته باشد، قیمت آن توسط کارشناس ارزیابی می شود و باید توسط سارق پرداخت شود. اگر سارق عین مال را برنگرداند یا قیمت آن را نپردازد، چنان چه مالی از او در دسترس باشد ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده برداشت می شود در غیر این صورت به تقاضای مال باخته تا زمان پرداخت آن در حبس باقی خواهد ماند، حتی اگر محکومیت مجازات اصلی او تمام شده باشد، به علت عدم باز پس دادن مال سرقت شده مدتی در بازداشت باقی خواهد ماند مگر آن که برای دادگاه ثابت شود او معسر است یعنی دارایی اش برای پرداخت بدهی کافی نیست.لازم به ذکر است که استرداد مال سرقت شده به طرح دادخواست در دادگاه مربوط نیاز ندارد و بر حسب قانون، در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در مباحث فوق، دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال سرقت یا ربوده شده و جبران خسارت وارد شده محکوم خواهد کرد. همین حکم در خصوص جرم کلاهبرداری نیز ساری و جاری است.

معاونت فرهنگی دادگستری کل خراسان شمالی

عبرت

عشق کور کورانه

عشق او کورم کرده بود و نمی خواستم به جز او با هیچ دختر دیگری ازدواج کنم. به گمانم او هم عاشق من بود اما بعدها متوجه شدم به خاطر فرار از دست خانواده اش مرا برای ازدواج، خام خودش کرده بود. مردی که همسرش به او خیانت کرد، ادامه می دهد: می گفت دوستم دارد و من هم این را باور کرده بودم. اعضای خانواده ام هر چه مرا نصیحت کردند که این دختر مناسبی نیست و خانواده خوبی ندارد اما فایده ای نداشت و من چنان عاشق و دلباخته او شده بودم که گوشم به این حرف ها بدهکار نبود. بعد از ازدواج با کارگری و بدبختی خرج زندگی ام را در می آوردم و برای خوشبختی و آرامش همسرم هر کاری می کردم.

۲ سال از زندگی مشترک مان گذشت و هر روز من بیشتر متوجه نصیحت های خانواده ام می شدم.هر بار که دستمزدم را به منزل می آوردم همه را یک جا تقدیم همسرم می کردم و او هم آن را برای خودش پس انداز می کرد و حتی توانست با آن پول ها برای خودش طلا بخرد.گفتم زن است و دوست دارد پیش دیگران سرلند باشد. آن قدر به همسرم محبت می کردم که حد نداشت ولی او هیچ وقت قدر خوبی هایم را نمی دانست و نه تنها به من توجهی نداشت بلکه جلوی دیگران مرا خوار و ذلیل جلوه می داد.

دایم سرش داخل گوشی بود و پیامک بازی می کرد.یک بار که نبود، گوشی اش را چک کردم ولی خبری از آن پیامک ها نبود و این باعث شد کمی به او بدبین شوم و به برادرم سپردم که در نبود من خاتمم را زیر نظر بگیرد.

مجبور بودم برای کمک به پدرم در کارهای کشاورزی، مدتی به روستا بروم و قصد داشتم همسرم را با خودم ببرم ولی او مخالفت کرد و گفت که روستا را دوست ندارد و در منزل پدرم معذب است، برای همین به تنهایی رفتم.

یک روز که از کار زیاد کشاورزی خسته شده و به منزل آمده بودم، تلفن ام زنگ خورد. برادرم پشت خط بود و گفت زودتر خودم را به شهر برسانم.

سریع راه افتادم. وقتی به منزل مان رسیدم از دیدن ماشین پلیس و مأمورها تعجب کردم و قفسیه را جویا شدم که برادرم گفت داخل بروم تا خودم متوجه شوم. وقتی وارد منزل مان شدم فهمیدم همسرم به من خیانت کرده است و او را با پسر جوانی دستگیر کرده اند.

مردی که از هول حلیم در دیگ افتاد

ماجراجویی در زندان



مبلغ اضافه ای به من بدهد که بازندانی شدنم بر باد فنا رفت. برای این که به علت پرداخت نکردن مهریه همسرم زندانی نشوم وارد این بازی خطرناک را به طرز ماهرانه ای داخل کامیون جاسازی کردیم و راه افتادیم. بار اصلی ما گندم و بارنامه به اسم دو همدستم بود. از چند ایست و بازرسی بدون مشکل گذشتیم و خطری ما را تهدید نکرد. مدام از طریق پیامک با

دو نفر از همدستانم که جلوتر از من با یک خودروی شخصی در حرکت بودند در تماس بودم. این ماجرا ادامه داشت تا این

که ماموران در یک ایست و بازرسی کامیون را متوقف و مرا از ماشین پیاده کردند. بعد از بازرسی داخل کامیون خیلی زود همه چیز لو رفت و دستم رو شد و بعد از دستگیری متوجه شدم دو همدستم گیر افتاده و مرا لو داده اند. به خاطر این

اتفاق هر کدام از ما به ۱۰ سال حبس و پرداخت جریمه محکوم شدیم.

قرار بود بعد از چند بار جابه جایی مواد، صاحب کارم خورویش را به طور رایگان به من بدهد ولی بعد از زندانی شدن من او زیر قول و قرارش زد و قبل از گیر افتادنم آن را فروخت. علاوه بر خودرو، صاحب کار چرب زبانم به من قول پرداخت ۳ میلیون تومان به ازای هر سرویس را داد که آن را هم اصلاً فرصت نشد حساب و کتاب کنیم. روزی روی این کار را نداشتیم چون قبل از دستگیر شدنم، روزی ماشین او را برای انجام کاری امانت گرفتم اما از اقبال بدم همان روز خودرو واژگون و خسارت زیادی به آن وارد شد. قرار شد بعد از چند بار قاچاق مواد، صاحب کارم علاوه بر خودرو

و تصمیم بگیریم این کار را تکرار کنیم تا پول درست و حسابی گیرمان بیاید. در روز حادثه در یک شهر بندری، حدود ۹۳ کیلو تریاک را به طرز ماهرانه ای داخل کامیون جاسازی کردیم و راه افتادیم. بار اصلی ما گندم و بارنامه به اسم دو همدستم بود. از چند ایست و بازرسی بدون مشکل گذشتیم و خطری ما را تهدید نکرد. مدام از طریق پیامک با دو نفر از همدستانم که جلوتر از من با یک خودروی شخصی در حرکت بودند در تماس بودم. این ماجرا ادامه داشت تا این

که ماموران در یک ایست و بازرسی کامیون را متوقف و مرا از ماشین پیاده کردند. بعد از بازرسی داخل کامیون خیلی

زود همه چیز لو رفت و دستم رو شد و بعد از دستگیری متوجه شدم دو همدستم گیر افتاده و مرا لو داده اند. به خاطر این اتفاق هر کدام از ما به ۱۰ سال حبس و پرداخت جریمه محکوم شدیم.

قرار بود بعد از چند بار جابه جایی مواد، صاحب کارم خورویش را به طور رایگان به من بدهد ولی بعد از زندانی شدن من او زیر قول و قرارش زد و قبل از گیر افتادنم آن را فروخت. علاوه بر خودرو، صاحب کار چرب زبانم به من قول پرداخت ۳ میلیون تومان به ازای هر سرویس را داد که آن را هم اصلاً فرصت نشد حساب و کتاب کنیم.

روزی روی این کار را نداشتیم چون قبل از دستگیر شدنم، روزی ماشین او را برای انجام کاری امانت گرفتم اما از اقبال بدم همان روز خودرو واژگون و خسارت زیادی به آن وارد شد. قرار شد بعد از چند بار قاچاق مواد، صاحب کارم علاوه بر خودرو

صدیقی

به گفته خودش از ترس مرگ دست به خودکشی زد و طناب حبس را به گردنش انداخت. خواست گره ای از مشکلاتش را باز کند اما با ندانم کاری و البته طمع و بیراهه رفتن گره زندگی اش را کورتر و به ته چاه سقوط کرد. برای پرداخت مهریه همسرش سوار بر غلنگ طمع، از روی زندگی اش رد شد و طوق حبس را به گردن خود انداخت و عمر و جوانی اش را بر باد داد. حالا در گوشه زندان به امید روزهای روشن شب را صبح می کند تا زمان پر کشیدن از قفس زندان فرا برسد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با سوداگر مرگ می خوانید.

چند وقت است و به چه جرمی در حبس هستی؟
بیش از ۷ سال است که به جرم قانون شکنی و قاچاق مواد پشت میله ها در انتظار آزادی هستم.

چند فرزند داری و شغل ات چه بود؟
دو همسر داشتم که یکی را طلاق دادم. ۴ فرزند دارم، در واقع یکی از فرزندانم متعلق به شوهر زن دومم است. بعد از ترک تحصیل علاقه خاصی به رانندگی در جاده داشتم برای همین بعد از گرفتن گواهی نامه پایه یک سراغ این شغل رفتم.

چه شد سراغ قاچاق مواد رفتی؟ کمی از ماجرا را تعریف کن.

همه چیز از اختلافات بین من و همسر اولم شروع شد. همسر اولم بعد از مدت ها زندگی مشترک سر برخی مسائل ساز جدایی زد. بعد از شکایت از من مهریه اش را طلب کرد و چون چیزی در بساط نداشتم و از طرفی از زندانی شدن می ترسیدم، به قول معروف از ترس مرگ دست به خودکشی زدم و خودم را به ته دره پرت کردم. وقتی خودم را در یک قدمی زندان دیدم به پیشنهاد صاحب کارم برای خلاصی از پرداخت مهریه وارد عرصه قاچاق مواد شدم تا از این طریق بتوانم پول آن را جور و از حبس نجات پیدا کنم ولی برعکس طوق حبس را خودم به گردنم انداختم.

چطور شد دستگیر شدی؟ آیا همداست هم داشتی و مقدار مواد چقدر بود؟

بعد از قبول کردن پیشنهاد وسوسه انگیز صاحب کارم با همکاری دو برادر او وارد مسیر قاچاق مواد شدیم. نقش دو برادر صاحب کار و همدستم به نوعی جاده صاف کنی بود؛ جلوتر از من راه می افتادند تا زمان خطر را به من اطلاع دهند و من راهم را کج می کردم تا خودم و محموله قاچاق را از مهلکه نجات دهم.

بار اول حدود ۱۰۰ کیلو تریاک را به سلامت توانستیم قاچاق کنیم و همین امر باعث شد حرص و طمع مان زیاد

درب های اتوماتیک بازار



کرکره اتومات، جک پارکینگی، شیشه اتومات، قفل برق، آرام بند و اعلام حریق

دفتر فروش: بجنورد / نبش چهارراه آزادی

تلفن تماس: ۰۴ ۸۸ ۲۲۱ ۰۵۸۳ - ۰۶۳ ۰۲ ۱۸۶ ۰۹۱۵